

بغ آفتاب باز شده مردم کلاهی از نیشخند آفتاب به روزهای فکر می کنند که از بهار تنها تمار را به ارت برده اند. خیابان مثل همیشه جبر ترا فیک را به رخ می کشد و جماعت بی حوصله دنبال بیانه ای برای پرداختن می گردند. قهله های ۳۰ قهله ای از این آدم ها در تاکسی نشسته اند. آنها گاهی دست به پیشانی می کشند تا تاناه غری را پاک کنند. صدای گوبه راوبیو مژه هایشان را سوهان می کشد. امروز هوای تهران بار دیگر به مرز خطر نزدیک شده. اگر تراحتی قلی... راننده ترمز می کند. پسری با سیگار روشن تک ظریف باقی مانده در تاکسی را برمی کند. گرما و دود، اعتراض!

صفحه ۳



جمعه



خانواده | ۲۳ | ۸۵

تحول ادامه دارد

بگذارد این هفته هم در حال و هوای انقلاب باشیم. انقلاب ما گرچه از هفته پیش انجام شده، اما هنوز به ثبات نرسیده. به هر حال روزهای ابتدای پس از انقلاب است و اگر مشکلی هست از بدقولی های دوستان است. حالا زیاد ماجرا را پیچیده نکنیم. از هفته گذشته تغییرات بخش خانواده شروع شد، اما در ظاهر صفحه ما انقلاب چندانی انجام نشد که حامل بدقولی های مدیر هنری مجموعه بود. از این هفته در چند صفحه بخش خانواده، تغییرات گرافیکی را مشاهده می کنید. گرچه انقلاب به برای رسیدن به ثبات هنوز به چند هفته زمان نیاز دارد. انقلاب ادامه دارد، چه در محتوا، چه در ظاهر.

تغییرات دیگر یک خبر داخلی داریم که نمی دانیم خوب است یا بد. خبر اینکه تلاش می کنیم تا در صورت امکان، هفته بعد ایران جمعه را از قالب فعلی خارج کنیم و هر هفته به صورت مجله به دستتان برسانیم. در این صورت حجم صفحه های ایران جمعه افزایش می یابد و می توانیم بخشهای تازه ای به مجموعه اضافه کنیم. البته موضوع فعلاً در حد حرف است و می دانید که فاصله حرف تا عمل بسیار است. با این حال خوشحال می شویم اگر در این باره با ما صحبت کنید. به هر حال ما فکر می کنیم این حرف از آن حرفهای جدی است.

روی موج کتاب سعی می کنیم با اتفاقات دور و برمان هماهنگ باشیم. این روزها بحث، بحث کتاب و نمایشگاه کتاب و البته موضوع کتابخوانی است. سعی کردیم در این شماره هم در این مسیر روز حرکت کنیم. مطالب مختلف و متنوعی با موضوع کتاب را در این شماره ایران جمعه هم می خوانید. امیدواریم این همه کاغذ سیاه کردن در باب کتاب، یکصدم در افزایش آمار کتابخوانی ایران تأثیر داشته باشد.

پرونده ای برای سیگار همین حالا یکی از دوستان سیگارش را روشن کرد و گفت: «این هفته پرونده سیگار دارید؟ موضوع خوبی است، اما یک صفحه کم است.» این را نوشتم تا برسیم به جریان صفحه پرونده. این صفحه هر هفته به یکی از مناسبتهای پیش رو اختصاص دارد. مثلاً هفته گذشته به مناسبت هفته معلم، پرونده ای برای معلمان باز کردیم، اما این صفحه در هفته هایی که مناسبتی ندارند، با انتخاب موضوع از طرف خوانمان بسته می شود. فکر کردیم سیگار موضوع جالبی است و صفحه پرونده را این هفته به آن اختصاص دادیم. راستی چرا همه می دانند سیگار برای سلامتی ضرر است و باز هم ترکش نمی کنند؟ شاید به این دلیل که از زندگی خسته اند و شاید این تنها بهاره ای است که تا ترکش نکنند، نورا ترک نمی کنند. اما به قول دوستان ماچرا به این حال سادگی ما نیست که در یک صفحه بچکنج. با این حال ما هم و همین یک صفحه برای پرونده، امیدوارم راضی باشید.

گفت و گوئی تازه حالا که فرار است در حال و هوای انقلاب باقی بماند، ببینیم گفتمان هم از تغییراتی که در پرونده قرار داده ایم، صحبت کنیم. اگر از خواننده های ثابت ما باشید، حتماً متوجه شده اید که میان « صفحه خانواده، صفحه گفت و گو تنها صفحه ای است که دچار هیچ تغییری نشده. دلیل این است که اخبار بیشتر در این صفحه نیاز به بررسی و تدقیق بیشتری دارد. البته ما قصد داریم در این صفحه هم تغییراتی ایجاد کنیم. فعلاً مشغول کار روی پرداختن تازه در مقاله گفت و گو هستیم. گرچه سعی داریم در دوره چهره های این صفحه هم تنوع بیشتری ایجاد کنیم. هدف این است که چهره های سرشناس ورزش، سیاست، هنر و غیره، به تازوب در این صفحه به چشم بیایند. اگر کمی حوصله به خرج بدهید، می بینید که دامنه انقلاب به صفحه گفت و گو هم گشوده می شود. منتظر باشید.

فکران باشید بسیاری از دوستان تماس می گیرند و امکان ورود به مطبوعات از طریق نشریه ایران جمعه را بررسی می کنند. راستش ما خیلی دوست داریم اینجا با استقبال از افراد مستعد در زمینه روزنامه نگاری دست به تولید بقیه های تازه بزنیم، اما متأسفانه فعلاً امکان این کار نداریم. با این حال شما اگر فکر می کنید مستعدان زیادی سرخورد می شود، مطالبتان را برای ما می فرستید تا در صورت امکان زمینه همکاری شما با مجموعه فراهم شود. در شرایط فعلی ما توجه به محدودیت های این تنها کاری است که از دستمان بر می آید. البته یک توصیه، اگر امکان فعالیت در زمینه دیگری را دارید، شوق روزنامه نگار شدن را در ذهن بیرون کنید. می دانید که عشق برای آدم تان و آب نمی کشد.

حرف آخر حرف آخر، پیروی نکته قبلی و البته درد دل های خوانمان. این نکته از آن قول پل واری، شاعر و منتقد فرانسوی بخوانید: «زوری که جز فاجعه با جانتی را در روزنامه بخوانیم، با خود غری می زیم: «حیف پول! حتی یک خبر حساسی هم نداشت!»



تأملی درباره طرح جمع آوری گدایان تهران

مُسکَن یا درمان؟

سینا قنبر پور

هر گذرگاهی می تواند قیمتی داشته باشد. هر معبری می تواند بهایی داشته باشد. بسته به میزان تردد در آن نقطه این مبلغ متفاوت است. این مالیات و عوارض نیست که می گوئیم. کافی است خیابانی از خیابانهای شهر بیشتر مورد توجه عبور کندگان قرار گیرد. کافی است معبری از معابر شهر یکطرفه شود یا مسیر عبور به سبب تصمیمات متولیان ترافیک به سوی خیابانی هدایت شود... آن وقت می توانید این بها و قیمت را لمس کنید. بهای استفاده از خیابان و گذرگاه برای گدایی از مردم نکدی گری از دربروی هرچه نامش بگذاردی تغییر می در محتوا نمی کند. گاهی آفتد وضع و ظاهرشان رفت انگیز است که تو می مانی چه کنی. گاهی تأمل می کنی که آیامستحق است یا نه؟ گاهی گمان می کنی پول صدقه ای را که می خواهی به درون صندوق ما بیندازی خوب به همین افراد بدهی چرا که با خود می گوئی اگر پول صندوقها درست توزیع شده بود که اینها نبودند. درخرا می خوانی که یک شبکه سواستفاده از کودکان برای گدایی متلاشی شد و تو دیگر نمی خواهی به گدایانی که با بچه کنار خیابان از در مسیر به سرافت می آیند کمک کنی. گاهی می گوئی آخر چه گمانی کرده ایم که هر روز از اول صبح تا آخر شب باید سر هر گذرگاهی صحنه های تلخ نفس غمخو هموطنان خود را ببینیم. آخر مگر نهادهای متولیان رسیدگی به این امور کار خود را انجام نمی دهند که نظر آنها باشیم. وقتی هم که بر حسب اتفاق روزنامه ای از ورق می زنی و بعد می بینی که آمار داده اند از هر ۱۰ گدای تهرانی ۶ تن آنها خانه شخصی دارند بعد از خود می پرسى پس گدایان که می گویند اگر گدایان هستند پس ما که اجازه نشین هستیم که هستیم. گاهی هم وقتی آنها برای به دست آوردن پولی نازدهار با یا یکی بیاید اینها را جمع کند! حالا گفته اند می خواهند اینها را جمع کنند. گفته اند اول هشدار می دهیم، هم که کنیم و هم شفاهی و بعد متکدیان را در جمع می کنیم. محمد نوربان معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران به چند ماده قانونی استناد کرده است. دو ماده از قانون مجازات اسلامی و یک ماده از قانون شهرداری ها. در واقع یک کار عقب افتاده. هم قانونش بوده هم متولیان این مشخص حالا یک کار عقب افتاده از قبل قرار است عملی شود. ظاهرش که خوشایند است اما یک جای کار جای سوال دارد.

برای گذری کوتاه

نکدی گری به همراه بسیاری از معضلات اجتماعی دیگر پرونده عواملی است که به منزله علت شناسایی، بررسی و عوامل محیطی و تأسیسه مولولهای آنها، از جمله نکدی محدود شود. این عوامل به سه دسته « عوامل و حوادث طبیعی »، « عوامل مدعی و اجتماعی مثل فقدان حمایت از سالمندان و... » و « عوامل فردی نظیر معلولیتها و... » انواع نکدی را می توان به « آواره، فقیر، مسکین، معلول جسمی، بیمار روانی، تنبل بی قید، معاون در نکدی گری، متکدی اجبر، متکدی به اجبار، صغیر متکدی، کولی متکدی، تبعه بیگانه متکدی، نکدی به منزله پوشش تقسیم کرد.

مبارزه با تکدی گری و امری است فرهنگی و باید عوامل منجر به بروز آن شناخته و ریشه کن شود. باید بررسی کرد و دید آیا گدای مورد نظر ما داراست یا از فرط ناتوانی مالی دست به این کار می زند. ببینیم گدا شکل دارد یا نه و بعد او را تحت تعقیب قرار دهیم

از هر چیز معنا و مفهوم آن را بیکار بررسی کنیم بعد به فضاوت بپردازیم. «محمود حاجیان مطلق» در مقاله ای تحت عنوان « تأملی بر پدیده تکدی گری و ریشه های آن در ایران» چهار تعریف را برای این موضوع ارائه کرده است. « درخواست کمک و اعانه از دیگران بدون هیچ گونه شایسته اقتصادی، درخواست از مردم در ملاع-به منظور رفع نیازهای مادی یا زیر بار گذاشتن شئون انسانی و اجتماعی، تکدی به کلیه افرادی اطلاق می شود که بنا به دلایلی اقدام به دریافت کمک از مردم به طرق مختلف می کنند و لزوماً جزو زندمان نیز نیستند، متکدی فردی است که معمولاً نگاه جامعه شناسی به موضوع بگیریم گواهی میدهد که گدایان هم انسانهایی هستند اما به دلیل شرایط جامعه ما به این راه روی آورده اند.

ایمادی بزرگتر از یک جرم باید برای این ماجرا در نظر گرفت. متأسفانه متولیان جامعه بارها و بارها بدون توجه به ابهام معنایی مفهوم «جمع آوری» و این واژه برای ساندنهی امور اجتماعی بهره برده اند غافل از اینکه هیچ گاه توجه بر پدیده تکدی گری و ریشه های آن در ایران، چهار تعریف را برای این موضوع ارائه کرده است. « درخواست کمک و اعانه از دیگران بدون هیچ گونه شایسته اقتصادی، درخواست از مردم در ملاع-به منظور رفع نیازهای مادی یا زیر بار گذاشتن شئون انسانی و اجتماعی، تکدی به کلیه افرادی اطلاق می شود که بنا به دلایلی اقدام به دریافت کمک از مردم به طرق مختلف می کنند و لزوماً جزو زندمان نیز نیستند، متکدی فردی است که معمولاً نگاه جامعه شناسی به موضوع بگیریم گواهی میدهد که گدایان هم انسانهایی هستند اما به دلیل شرایط جامعه ما به این راه روی آورده اند.

برای گذری کوتاه

نکدی گری به همراه بسیاری از معضلات اجتماعی دیگر پرونده عواملی است که به منزله علت شناسایی، بررسی و عوامل محیطی و تأسیسه مولولهای آنها، از جمله نکدی محدود شود. این عوامل به سه دسته « عوامل و حوادث طبیعی »، « عوامل مدعی و اجتماعی مثل فقدان حمایت از سالمندان و... » و « عوامل فردی نظیر معلولیتها و... » انواع نکدی را می توان به « آواره، فقیر، مسکین، معلول جسمی، بیمار روانی، تنبل بی قید، معاون در نکدی گری، متکدی اجبر، متکدی به اجبار، صغیر متکدی، کولی متکدی، تبعه بیگانه متکدی، نکدی به منزله پوشش تقسیم کرد.

اما جدای این کار وقتی شهرداری به فکر جمع آوری می افتد گویا خبر ندارد با چه معضلی مواجه است. کاری که سخت این کار هم آشنا شویم. اگر بپذیریم که گدایی سودایی بی پول است نباید ناظر داشته باشیم گدایان به راحتی آن را کنار بگذارند و با مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی از ادامه این کار بپرهانند.

اما معضل اساسی اینجاست که هنوز ما معضل گدایی را یک معضل ساده می انگاریم. در واقع ابعاد پنهان آن یعنی سازمان یافته و درهم تنیدگی اش را نمی بینیم. گدایان همان قدر در کشور ما ناشناخته است که قاچاق انسان اینگونه است. از طرفی ما در ایران قانونی نداریم که به جرایم سازمان یافته و تشکیلاتی بپردازد. شاید در گدایی با آن تشکیلات مدرن مواجه نباشیم ولی سیستم کاملاً یکپارچه و پیوسته گدایی راپی می گیرد و گاه حتی می شنوم عده ای کولی از کشورهای همسایه برای گدایی به ایران و به ویژه تهران می آیند.

اما معضل اساسی اینجاست که هنوز ما معضل گدایی را یک معضل ساده می انگاریم. در واقع ابعاد پنهان آن یعنی سازمان یافته و درهم تنیدگی اش را نمی بینیم. گدایان همان قدر در کشور ما ناشناخته است که قاچاق انسان اینگونه است. از طرفی ما در ایران قانونی نداریم که به جرایم سازمان یافته و تشکیلاتی بپردازد. شاید در گدایی با آن تشکیلات مدرن مواجه نباشیم ولی سیستم کاملاً یکپارچه و پیوسته گدایی راپی می گیرد و گاه حتی می شنوم عده ای کولی از کشورهای همسایه برای گدایی به ایران و به ویژه تهران می آیند.

دکتر «محمود آخوندی» فوقادان برجسته و متخصص علوم جزا در آیین دادرسی درین باره می گوید: « مبارزه با تکدی گری امری اثر فرهنگی و باید عوامل منجر به بروز آن شناخته و ریشه کن شود. باید بررسی کرد و دید آیا گدای مورد نظر ما داراست یا از فرط ناتوانی مالی دست به این کار می زند. ببینیم گدا شکل دارد یا نه و بعد او را تحت تعقیب قرار دهیم.»

وی که سالها در دادگستری به فضاوت مشغول بوده تاکید دارد: « در پدیده تکدی گری ما با معضلی مواجهیم که باید ناپیدا افرادی ناتوان و کم بینی را تحت دست خود قرار داده اند و وقتی ما می خواهیم در مبارزه با این پدیده دست به جمع آوری بزنیم در واقع نفراحت دست را سرتور کرده ایم به نظر احراح و گردانندگان اصلی.»

دکتر آخوندی در مبارزه با تکدی گری باید بتوانیم ضمن شناسایی سرشاخه ها به افراد کم توان نیز دست آنها کمک کنیم. به عبارت دیگر باید سازمانهایی را آماده کنیم که بتوانند خدماتی مناسب ارائه کنند تا سواستفاده کنندگان از این قشر فرصتی برای بهره گیری بیابند.

توجه به اندازه ای گرمانه های برای کارتن خوابها را باید بیازید. مبارزه حکایت جمع آوری با آن مفهومی در عمل عطف این نکته را می بینیم که ما حقوق شهروندان محروم و ناتوانان را نمی توانیم محترم بشماریم. آنها را به اجبار به جایی می کشانیم که دوست ندارند و به عبارتی آزادی انتخاب محل سکونت و زندگی را از آنها سلب می کنیم. در مورد گداهای بی وضع به همین عنوان سخت تر است زیرا آنها که دست و گدایی می زند یک مشکل عمده نیز دارند. مشکل گداه شدن عزت نفسشان بسیار این گدایان صرف جمع آوری نمی توانند دیگر گدایی نکنند. آنها از مرزی گذشته اند و حالا که مزه مزه پول زیر زبانشان مرده کرده کمتر حاضر می شوند تن به کاری غیر از این سپارند. بنابراین شهرداری با جمع آوری فقط می تواند مدتی شهر را از ظاهر گداهای خلاص کند ولی تا آن نظر روانی مشکل این راه حل نشود مثل متداند تمحل آنها و آثار اعمالشان هستند. جایی وظیفه ساندنهی آنها و آثار اعمالشان هستند. درمی آید ولی باید دیگر نهادهای هم در آن مشارکت بچونند آنگاه می توان امیدوار باشیم کار به سرانجامی برسد.